

غریزه جنسی
وسرکوبی آن در جوامع ابتدایی



برانیسلاو مالینفسکی

غریزه جنسی
وسرکوبی آن در جوامع ابتدایی

ترجمه محسن ثلاثی

مالینوفسکی، برانیسلاو، ۱۸۸۴-۱۹۴۲.
 Bronislaw Malinowaki 1884-1942.
 غریزه جنسی و سرکوبی آن در جوامع ابتدایی، برانیسلاو مالینوفسکی، ترجمه
 محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷. (مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی)
 ۲۵۸ ص.
 شابکه ۳-۳۳۸-۲۸۰-۹۶۲-۹۷۸ ISBN 978-964-380-348-3
 عنوان اصلی، Sex and Repression in Savage Society
 ۱. انسان‌شناسی ۲. جامعه‌شناسی ۳. غریزه جنسی ۴. سنت و فرهنگ
 ۵. روانکاوی عامه. ثلاثی، محسن ۱۳۲۴ - ، مترجم.
 ۲۰۶۷-۹۹۵۲۱



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند/ بین ایرانشهر و ماهشهر/ پ ۱۵۰ / طبقه چهارم/ تلفن: ۸۸۲۰۲۲۳۷
 فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۲۸ / تلفن: ۷-۸۸۲۲۵۲۷۶

Bronislaw Malinowaki
 Sex and Repression in Savage Society
 Routledge, 2001. London and New York

■ غریزه جنسی و سرکوبی آن در جوامع ابتدایی

● برانیسلاو مالینوفسکی ● ترجمه محسن ثلاثی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی ● دبیر مجموعه: علیرضا جاوید

● مدیر هنری و طراح جلد: پرویز بیانی

● ویراستار: ثریا بابایی ● حروف‌نگار و صفحه‌آرا: دریچه کتاب

● چاپ دوم: ۱۳۸۷ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: رهنما ● صحافی: صفحه‌پرداز

● کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-964-380-348-3

شابک ۳-۳۳۸-۲۸۰-۹۶۲-۹۷۸

پست الکترونیکی: Info@Salesspub.ir

سایت اینترنتی: WWW.Salesspub.ir

● قیمت: ۲۸۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۱	مقدمه
	بخش اول: تشکیل عقده
۱۹	۱. مسئله
۲۵	۲. خانواده در جامعه مدارسالار و پدرسالار
۳۳	۳. نخستین پرده نمایش خانواده
۳۹	۴. رابطه پدری در جامعه مدارسالار
۴۵	۵. جنسیت در بچگی
۵۱	۶. دوره کارآموزی زندگی
۵۷	۷. غریزه جنسی در آخرین مرحله کودکی
۶۵	۸. بلوغ
۷۷	۹. عقده مدارسالاری
	بخش دوم: آینه سنت
۸۵	۱. عقده و اسطوره در جامعه مدارسالار
۸۷	۲. بیماری و انحراف
۹۳	۳. رؤیاها و اعمال
۱۰۳	۴. شناخت و اسطوره
	بخش سوم: روانکاری و انسان‌شناسی
۱۲۷	۱. شکاف میان روانکاری و علم اجتماعی
۱۳۳	۲. عقده سرکوب شده
۱۳۷	۳. سرچشمه فرهنگ
۱۴۳	۴. نتایج پدرکشی
۱۴۷	۵. تحلیل پدرکشی اولیه

۱۵۷	۶. عقده یا احساس
	بخش چهارم: غریزه و فرهنگ
۱۶۳	۱. گذار از طبیعت به فرهنگ
۱۶۷	۲. خانواده، گهواره فرهنگ
۱۷۵	۳. جفت‌گیری در حیوان و عشق‌بازی در انسان
۱۸۱	۴. روابط زناشویی
۱۸۷	۵. محبت والدین
۱۹۵	۶. پایداری وابستگی‌های خانوادگی در انسان
۲۰۱	۷. انعطاف‌پذیری غریزه‌های انسان
۲۰۵	۸. از غریزه تا احساس
۲۱۵	۹. نقش عامل مادری در وسوسه‌های زنا
۲۲۳	۱۰. اقتدار و سرکوبی
۲۲۹	۱۱. مدرسالاری و پدرسالاری
۲۳۷	۱۲. فرهنگ و عقده
۲۴۳	نمایه اسامی
۲۴۷	نمایه موضوعی

یادداشت مترجم

این کتاب از برجسته‌ترین نوشته‌های یکی از معدود انسان‌شناسان بزرگ دنیا، برانیسلاو مالینوفسکی است. ترجمه این اثر به این منظور انجام شده است تا خواننده ایرانی بی‌میانجی کتاب‌های گزارشی و دست دوم، بتواند به یکی از آثار نمونه این نویسنده بزرگ رشته انسان‌شناسی دسترسی داشته باشد و با موضوع‌ها و مفاهیم این شاخه بزرگ علوم اجتماعی آشنا شود. به عقیده مترجم، بزرگان در تفهیم اندیشه‌هایشان از دنباله‌روان و گزارش‌نویسان خود شایسته‌ترند و چه بهتر که نوشته‌های آن‌ها بدون واسطه گزارش‌گران به دست خواننده برسد. یک گزارش‌گر از نویسنده مورد گزارش خود یا مهتر است یا کهتر. گزارش‌گران دسته نخست، بیشتر از خود مایه می‌گذارند و برای نمود اندیشه‌هایشان نویسنده را بهانه می‌کنند. البته گزارش‌های آن‌ها ممکن است ارزش بسیار والایی داشته باشند، اما از جنبه بررسی افکار نویسنده افزار کارآمدی در اختیار خواننده نمی‌گذارد. دسته دوم از خود مایه‌ای ندارند که بر گزارش بیفزایند و نقش واسطه‌امینی را بازی می‌کنند که مفاهیم نویسنده را به خواننده می‌رسانند. حال آن‌که بیشتر خوانندگان با کمی دقت و همت می‌توانند بدون نیاز به این میانجیان از راه خواندن کارهای نویسندگان اصلی با این بزرگان ارتباط برقرار کنند. کمتر اندیشمند بزرگی را می‌توان یافت که خود با آوردن شاهد و مثال به خواننده یاری نرساند. هم‌چنین کمتر خواننده علاقه‌مند و کنکاش‌گری هست که با کمی جسارت به دریافت افکار بزرگان نرسد. خوانندگان کتاب‌های دست دوم، چه بسا به تنبلی ذهن و آسان‌اندیشی خوبی‌گیرند که انسان را از هر کار سازنده و باارزشی باز می‌دارد و ریشه

خوداندیشی و بزرگواری را در او تباه می‌کند.

برانیسلاو کاسپر مالدینوفسکی (۱۸۸۴-۱۹۴۲ م) در لهستان زاده شد، در انگلستان آموزش انسان‌شناسی دید و در همان‌جا بیشتر آثار بزرگ خود را نوشت. او در ورشو دکترای فیزیک و ریاضیات گرفت، اما به دلیل ضعف جسمی از ادامه کار در این رشته دست کشید و با خواندن شاخه زرین جیمز فریزر به انسان‌شناسی روی آورد. او معتقد بود انسان‌شناسی را نیز می‌توان به رشته‌ای دقیق و علمی تبدیل کرد.

مالدینوفسکی در تحول پژوهش‌های انسان‌شناسی قرن نوزدهم به رشته‌ای علمی، دقیق و تجربی، نقش بزرگی داشت و مبتکر روش و مکتبی بود که چندی بعد به فونکسیونالیسم مشهور شد. او در ابداع این روش هرگز مطلق‌گرا نبود و پیوسته مفهوم «فونکسیون» را بازسازی می‌کرد و توسعه می‌داد. مالدینوفسکی آیین‌های نظری انسان‌شناسی قرن نوزدهم، به‌ویژه مکتب تحول و توسعه را، به سختی مورد انتقاد قرار داد و کوشید تا به جای نظریه‌سازی رایج، روش مشاهده، مقایسه، تجربه و استقرا، را که در علوم به کار می‌رفت، جایگزین کند. اگرچه در انسان‌شناسی طرفدار روشی علمی و دقیق بود، ولی از نگرش جزئی و یک‌جانبه که بدون توجه به هماهنگی و یکپارچگی جامعه و فرهنگ ساخته و پرداخته باشد، پرهیز می‌جست. او می‌کوشید تا هر واقعه اجتماعی را در چارچوب کلی فرهنگی آن بنگرد. از منظر او، فونکسیونالیسم برای تحقیقات علمی و مقایسه تطبیقی پدیده‌ها در فرهنگ‌های گوناگون ابزاری لازم به شمار می‌رود. او در کتاب دریانوردان اقیانوس آرام نوشت، هدف نهایی انسان‌شناس باید دریافت دیدگاه‌های فرد بومی، رابطه‌اش با زندگی و نگرش او به جهان پیرامونش باشد.

مالدینوفسکی در عمل و تجربه جزایر تروبریاند گینه نو واقع در اقیانوس آرام را برای بررسی‌های انسان‌شناختی خود برگزید و کوشید تا با تحلیل دقیق و باریک‌بینانه جامعه‌ای کوچک به نظریه‌ای در زمینه انسان‌شناسی دست یابد. پیش از پرداختن به این جزایر و زندگی چند ساله در آن، کتاب خانواده میان بومیان استرالیا را نوشت و با توجه به اطلاعاتی که از مراجع گوناگون درباره زندگی

بومیان استرالیا به دست آورده بود، به این نتیجه رسید که برخلاف نظر انسان‌شناس مشهوری چون لئوید مورگان، خانواده فردی بنیاد زندگی این بومیان را فراهم می‌کند، نه خانواده یا کمون جمعی. بعدها نیز همین برداشت را اساس کارهای خود قرار داد و به توجیه آن پرداخت. او روش ابداعی خود را در کتاب *دریانوردان اقیانوس آرام* و کتاب حاضر به کار برد و بعدها از این شیوه تحقیق در بیشتر سخنرانی‌ها و مقاله‌های خود دفاع و آن‌ها را نمونه‌هایی از کار تحقیقی علمی در زمینه انسان‌شناسی به جهانیان معرفی کرد. شاگردان او پس از مرگش به جنبه کمی و دقت علمی و تجربی کارهای او تکیه کردند و جنبه نظری و ذهنی آثار او را فرو گذاشتند. مکتب فونکسیونالیسم به تدریج به مکتبی اطلاق شد که به مطالعه تجربی و ملموس فونکسیون‌های جامعه‌ای کوچک بپردازد بی‌آنکه از این مطالعه هدفی تطبیقی، نظری و کلی داشته باشد. مالینوفسکی خود بارها یادآور شد که هدف از بررسی انسان‌شناسی فونکسیونالیستی تنها شناخت دقیق جامعه‌ای کوچک نیست، بلکه با شناخت جامعه ابتدایی باید به دریافت و از میان برداشتن دشواری‌ها و بحران‌های جوامع متمدن کنونی رسید. هرچند که مالینوفسکی خود در ابداع روش علمی از تعارض برکنار نبود و بذریع این تعارض را خود پاشید. او از یک‌سوی می‌خواست با دقت و وسواس علمی به شناخت کارکردهای جامعه کوچک، چون تروبریانند، برسد و از سوی دیگر می‌خواست داده‌های جامعه کوچک را به جامعه‌های دیگر تعمیم دهد و از آن‌ها نظریه‌ای کلی بسازد. جامعه‌شناسی محدود و جامعه‌شناسی وسیع (میکروسوسیولوژی و ماکروسوسیولوژی) دو رشته جداگانه‌اند و در بررسی آن‌ها دو روش جداگانه به کار می‌برند. با این همه این دو به یکدیگر وابسته‌اند و مکمل یکدیگر و در خدمت هدفی واحدند که همانا شناخت جامعه انسانی است. این دو رشته به هیچ وجه همدیگر را نفی یا انکار نمی‌کنند، یکی داده‌های اجتماعی را با بردباری و باریک‌بینی گردآوری می‌کند و در صدد شناسایی دقیق جامعه کوچک برمی‌آید و دیگری داده‌های به دست آمده از جامعه‌شناسان دسته نخست را با مطالعه تطبیقی و نظری در قالب نظریه کلی می‌ریزد و از آن به شناخت جامعه بزرگ می‌رسد. مالینوفسکی که از نظریه‌بانی

انسان‌شناسان زمانه خویش به تنگ آمده بود، می‌خواست هر دو کار را خود انجام دهد، با این تفاوت که تنها به داده‌های محدودی که خود از نزدیک به دست آورده بود، تکیه کرده و از پذیرفتن داده‌های انسان‌شناسان دیگر خودداری می‌کرد و تعارض کار او نیز از همین روش برمی‌خیزد. شناخت کلی و همه‌جانبه انسان و نظام زندگی او تنها با همکاری و احترام متقابل پژوهش‌گران انسان‌شناسی امکان‌پذیر است، نه با تعارض، مداخله، نفی یا انکار یکدیگر.

کتاب‌های بزرگ مالینوفسکی به ترتیب زمان به قرار زیرند:

سال ۱۹۱۳	خانواده میان بومیان استرالیا
سال ۱۹۲۲	دریانوردان اقیانوس آرام
سال ۱۹۲۵	جادو، علم و دین
سال ۱۹۲۶	خلاف و عرف در جامعه ابتدایی
سال ۱۹۴۴	آزادی و تمدن
سال ۱۹۴۹	پویایی دگرگونی فرهنگ

محسن ثلاثی

اسفند ۱۳۸۶

مقدمه

در ده سال گذشته آیین روانکاوی با اقبال همگانی و چشمگیری روبه‌رو بوده است. این آیین تأثیر بسیاری بر ادبیات، دانش و هنر داشته و گه‌گاه باب روز نیز بوده است. بسیاری از سبک‌اندیشان سخت تحت تأثیر آیین روانکاوی بوده‌اند و بسیاری از دانشمندان متعارف نیز در هراس افتاده بودند که چگونه آن را فروگذارند. نویسنده این کتاب، آشکارا به دسته نخست تعلق دارد، زیرا زمانی سخت تحت تأثیر نظریه‌های فروید،^۱ ریورز،^۲ یونگ^۳ و جونز^۴ بوده است. اما سرانجام دانش متعارف، چون سودایی بر این دانش‌پژوه چیره شد و اندیشه بخردانه بعدی، گرمی و شور نخستین را سرد کرد.

این جریان را با همه شاخه‌هایش می‌توان در این کتاب کوچک به دقت دنبال کرد. به هر حال در اینجا نمی‌خواهم به سنت‌شکنی هیجان‌انگیزی پروبال دهم. من هرگز گروهی عرف روانکاوی یا هوادار نظریه روانکاوی نبوده‌ام. اکنون، هر چند که داعیه‌های گزافه‌آمیز روانکاوی و مباحثات پراکنده و اصطلاح‌های پیچیده آن کاسه صبرم را لبریز کرده است، باید اعتراف کنم به دلیل انگیزش و هم‌چنین امکان آموزش بالارزشی که روانکاوی در شناخت برخی از جنبه‌های روان‌شناسی انسان به‌دست داده است، خود را سخت وامدار آن احساس می‌کنم. روانکاوی ما را به

1. Freud

2. Rivers

3. Jung

4. Jones